

پنجشنبه ۱۶ اسفند ۱۴۰۳

شماره ۴۳۷۱

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE



حماس با انعطاف بالا طرح عربی برای بازسازی غزه تحت نظارت تشکیلات خودگردان را پذیرفت؛ اما واشنگتن و تل آویو مخالفند

سیاست‌ورزی بدون بن‌بست حماس



سیدمهدی طالبی
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

آمریکا و رژیم صهیونیستی پس از شکست امنیتی در ۱۷ اکتبر و شکست نظامی در طول جنگ طوفان الاقصی، حالا در زمین سیاست و دیپلماسی نیز درحال شکست از حماس هستند. این جنبش با صدور بیانیه‌ای هوشمندانه، از طرح اخیر دولت‌های عربی در باره غزه حمایت کرده است. این طرح روز سه‌شنبه طی نشست فوق‌العاده سران کشورهای عربی در قاهره پایتخت مصر مورد تصویب قرار گرفت.

در طرح مزبور که توسط مصر ارائه و جمع‌بندی شده، قرار است نوار غزه طی ۵ سال آینده با هزینه‌ای ۵۳ میلیارد دلاری بازسازی شود. ۲۰ میلیارد دلار از این مبلغ صرف آواربرداری و طراحی پیشرفته شهری خواهد شد که باید تا سال ۲۰۲۷ تکمیل شود. در مرحله دوم نیز با سرمایه‌گذاری ۳۰ میلیارد دلاری تا سال ۲۰۳۰، مناطق صنعتی، بندرگاه و فرودگاه ساخته می‌شود. طرح دولت‌های عربی یک صف آرای قابل توجه در مقابل طرح آمریکا و رژیم صهیونیستی برای تخلیه ساکنان غزه و اسکان آن‌ها در کشورهای دیگر است. هرچند در طرح کشورهای عربی در نهایت قرار است حماس از حکومت کنار رفته و کنترل امور مدنی غزه در اختیار تشکیلات خودگردان قرار گیرد، اما این جنبش با پذیرش رسمی طرح، ضمن نشان دادن انعطاف بالای خود، صف‌آرای شکل گرفته در مقابل طرح ترامپ – نتانیاهو را تقویت کرده است.

نکات

در خصوص طرح دولت‌های عربی برای بازسازی و اداره غزه نکاتی وجود دارد که در ادامه آمده‌اند.

۱. طراحی آمریکا و رژیم صهیونیستی بر مبنای «موقفیت حتمی» شکل گرفته است؛ اگر با فشار ها غزه تخلیه شد که موقفیت حداکثری به دست آمده و در غیر این صورت کشورهای عربی با تقبل هزینه‌های بازسازی و کنترل امنیتی، بار را از دوش واشنگتن و تل آویو بر می‌دارند.

۲. دولت‌های عربی منافعی در خصوص فلسطین دارند؛ اما به نظر می‌رسد پیش‌ران آن‌ها در مقطع کنونی تنها یکی از این منافع بوده است. تخلیه ساکنان غزه نوعی شرمساری برای کشورهای منطقه و دولت‌های عربی در پی دارد؛ اما تنها چیزی که آن‌ها را در دوره کنونی به بازسازی سریع واداشت، هراس از اثرگذاری امنیتی آوارگان فلسطینی بر محیط داخلی‌شان بوده است. به عبارتی دیگر، تخلیه ساکنان غزه و سپس اخراج کامل فلسطینی‌ها از سرزمینشان، «قضیه فلسطین» که محصور در جغرافیای این سرزمین است را به «قضیه فلسطینی‌ها» تبدیل می‌کرد که منحصر به جغرافیا نیست، بلکه مربوط به مردم فلسطین است. درگیری فلسطینی‌های آواره با دولت‌های مرکزی لبنان و به طور ویژه با دولت اردن که در واقع مشهور به «سپتامر سیاه» در سال ۱۹۷۰ رخ داد، این روند را نشان می‌دهد.

۳. در هفته‌های اخیر، چندین سد مقاومتی در برابر سیاست‌های ترامپ در جهان دیده شده است. نخست آنکه ایران در برابر اقدامات ترامپ برای اعمال فشار حداکثری و هم‌زمان صحبت از مذاکره، ایستاد و گفت‌وگو را مشروط کرد. دومین مسئله صف‌آرای اروپا در برابر آمریکا بود که در قضیه مشاجره ترامپ با ولادیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین به اوج خود رسید. طرح کشورهای عربی سومین سد در برابر امریکاست. ایستادگی همه این دولت‌ها در برابر ترامپ با این فرض بوده که به دلیل زیاده‌خواهی‌های او، جبهه‌بندی‌های وسیعی در مقابلش شکل خواهد گرفت. در خصوص جهان عرب که همچنان دولت‌های آن اثرپذیری زیادی از انگلیس دارند، احتمالاً هماهنگی‌هایی نیز با لندن وجود



جانهیه قاسمیان
محرران گروه جهان‌شهر

اتحادیه عرب از بدو تأسیس خود تاکنون اجلاس‌ها و سخنرانی‌هایی تاریخی را به خود دیده است. این بار اما اجلاس اضطراری اتحادیه عرب در اتفاقی نادر در ماه مبارک رمضان برگزار می‌شود که این خود نشان‌دهنده اهمیت و اضطرار رویداد است. در تاریخ ۴ مارس ۲۰۲۵، اتحادیه عرب نشست اضطراری اش را در پایتخت جدید اداری مصر(در شرق قاهره) برگزار کرد. این نشست به پیشنهاد و میزبانی رئیس‌جمهور مصر و با حضور ۲۲ کشور عضو برگزار شد. هدف کلی از این رویداد، رونمایی مصر از طرح جامعش برای بازسازی غزه است؛ طرحی با بودجه ۵۳ میلیارد دلاری و البته با تأکید بر عدم کوچ اجباری فلسطینیان. این طرح و کلیه مباحثی که در این نشست مطرح شد، پاسخ مستقیمی به طرح پیشنهادی ترامپ مبنی بر کوچ اجباری ۲ میلیون فلسطینی ساکن غزه بود؛ کوچ اجباری که ترامپ صراحتاً اعلام کرد مقصد اصلی اش کشورهای اردن و مصر است. ترامپ در اوایل ماه فوریه پیشنهاد داده بود جمعیت ۳/۳ میلیون فلسطینی غزه جابه‌جا شوند و این منطقه به یک «ریورایز لوکس خاورمیانه» تغییر کاربری دهد. در مقابل این پرس‌وزمینه، این نشست تقای رهبران عربی است برای اتحاد حول طرح مصر و جلوگیری از ایجاد یک بحران عربی – منطقه‌ای دیگر. در شرایطی که مصر و اردن از مهم‌ترین متحدان منطقه‌ای ایالات متحده هستند و سالانه رقم قابل توجهی کمک مالی و نظامی دریافت می‌کنند. باید دید که این اتحاد نادر کشورهای عربی حول این طرح چقدر امکان واقعی شدن دارد؟

اجلاس اضطراری و طرح مصری بازسازی

فوریت این اجلاس از اعلامیه ۲ فوریه ترامپ ریشه می‌گیرد که در آن ترامپ پیشنهاد داده بود که ایالات متحده کنترل غزه را به دست بگیرد، جمعیت آن را به کشورهای همسایه مانند مصر و اردن منتقل کرده و این نوار ساحلی را به یک مقصد گردشگری لوکس تبدیل کند. طرح به سرعت توسط مردم غزه و کل منطقه غرب آسیا محکوم شد؛ اما از سوی دیگر ترس اردن و مصر را بر انگیخت؛ کوچ اجباری ۳/۳ میلیون انسان از غزه به کشورهایی که خود درگیر بحران‌های اقتصادی و محیط زیستی هستند، می‌تواند سلسله‌ای از بحران‌های اجتماعی و معیشتی را در این کشورها رقم بزند. مصر که سال‌هاست نقش میانجی در درگیری رژیم صهیونیستی و فلسطین را ایفا کرده، حالا در یک اقدام تقریباً پیشدستانه این طرح را تدوین کرده است و مشارکت کشورهای عربی را برای اعتبار بخشی به این طرح جلب کرده است.

طرح پیشنهادی مصر که در پیش‌نویس ۱۱۲ صفحه‌ای قبل از اجلاس منتشر شده و توسط خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش شده است، شامل یک

حماس با انعطاف بالا طرح عربی برای بازسازی غزه تحت نظارت تشکیلات خودگردان را پذیرفت؛ اما واشنگتن و تل آویو مخالفند

سیاست‌ورزی بدون بن‌بست حماس



و آلمان رهبری می‌شود در مقابل ترامپ، ایستادگی جبهه عربی و همچنین باقی مانسند محور مقاومت در ضدیت با وی می‌تواند ضربه زیادی به رئیس‌جمهور آمریکا وارد آورد. میزان این چالش برای ترامپ به میزانی بود که وی در این مدت علی‌رغم مهیا بودن شرایط، توانسته تمرکز چندانی بر پرونده ایران داشته باشد. ۴. طی دو سال اخیر که جنگ در سرزمین‌های اشغالی جریان داشت، این محور مقاومت بود که می‌جنگید. پیش از آن هم ایستادگی در برابر تل آویو بر عهده این محور بود. با متفاوت شدن صحنه نسبت به گذشته، حالا دولت‌های دیگری در معرض ضربات و توطئه‌های رژیم صهیونیستی قرار گرفته و ناگزیر در مقابلش قرار گرفته‌اند.

۵. فعال شدن اتحادیه عرب، با توجه به سنگینی وزن عربستان در آن به معنای فعال شدن سعودی‌هاست. آن‌ها مدتی بود به دلیل هزینه‌های زیاد، ناکامی و واکنش‌های انتقामी علیه خود، با تغییر سیاست خارجی‌شان، نوعی انزوا را در پیش گرفته بودند. ریاض این انزوا را خودخواسته را در جریان جنگ طوفان الاقصی نیز در پیش گرفت، اما سقوط سوریه و احتمال قدرتمندتر شدن ترکیه و همچنین تهدیدات ارضی رژیم صهیونیستی علیه عربستان، باعث شد این کشور ناگزیر به ورود در قضایا شود.

۶. کشورهای عربی دو مسیر را پیش روی خود دارند؛ یا آنکه وارد حریم صهیونیست‌ها در داخل فلسطین اشغالی شوند و یا شاید نفوذ و چالش‌زایی آن‌ها در خاک خود شوند. این مسئله صرفاً محدود به جابه‌جایی با تثبیت جمعیتی نیست، بلکه شاخه‌های دیگری را نیز دربر می‌گیرد. در همین راستاست که از امتحان تنش نظامی میان مصر و رژیم صهیونیستی صحبت‌هایی به میان آمده است.

۷. واکنش‌های دولتی در تل آویو و واشگتن به طرح مصوب اتحادیه عرب نشان می‌دهد هدف اصلی آن‌ها تمرکز بر حماس است؛ حتی اگر جمعیت در غزه باقی بماند. او مار مورشتاین، سخنگوی وزارت خارجه اسرائیل در حساب کاربری اش در ایکس ادعا کرد طرح مصر «واقعیت‌های میدانی را نادیده می‌گیرد». او تأکید داشت طرح عربی حمله ۷ اکتبر را که حماس شکل داد، محکوم نکرده است. ادعای نخست مار مورشتاین در باره واقعیت‌های میدانی، به تخریب غزه و همچنین تهدیداتی است که از این ناحیه متوجه رژیم صهیونیستی می‌شود؛ از نظر تل آویو این تهدید دائمی راه ریزه‌گری جز تخلیه ساکنان غزه و اخراج آن‌ها

کرده، پرسش در باره حاکمیت بر غزه است. طرح مصر پیشنهاد می‌کند یک «کمیته مدیریت غزه» متشکل از تکنوکرات‌های فلسطینی «مستقل» تشکیل شود که زیر نظر تشکیلات خودگردان فلسطین به مدت شش ماه بر کمک‌های بشردوستانه و بازسازی نظارت کنند. این نهاد تأسیسی پیشنهادی قرار است شامل حماس و دیگر گروه‌های مقاومت مسلح نباشد. در نهایت این طرح، قدرت در غزه را به تشکیلات خودگردان تحت رهبری محمود عباس واگذار خواهد کرد. محمود عباس در این اجلاس از این طرح استقبال کرد. این طرح اگرچه روی کاغذ یک فرایند انتقال قدرت بی‌درمسر را پیشنهاد می‌دهد، با چالش‌های متعددی در عرصه اجرا روبرو است. اول آنکه نتانیاهو طرح ترامپ را «بندنگرانه» خوانده است، بر کنترل دائمی رژیم صهیونیستی بر اراضی فلسطینی تأکید دارد؛ موضعی که از سوی هم‌پیمانان دست‌راستی او نیز تکرار می‌شود. ایالات متحده، در حالی که از لفاظی‌های افراطی ترامپ فاصله گرفته است («سخنگوی کاخ سفید، کارولین لوویت، تصریح کرد که جابه‌جایی «موقت» خواهد بود)، همچنان از هر طرحی که تواناد تأثیر حماس را به طور کامل از بین ببرد، ابراز نگرانی می‌کند. سخنگوی شورای امنیت ملی، برایان هیزو، تأکید کرد که «رئیس‌جمهور ترامپ به طور واضح گفته است که حماس نمی‌تواند همچنان بر غزه حکومت کند». علی‌رغم این لفاظی‌ها حماس همچنان به عنوان یک نیروی تعیین‌کننده در غزه حضور دارد. رژه گردان‌های القسام در غزه پس از آتش‌پس و نمایش مقتدرانه آزادی اسیرا همه ادعاها مبنی بر نابودی حماس در این نسل‌کشی ۱۵ ماهه را باطل کرد. چندی پیش آکسیوس از عضویت ۱۵ هزار سرباز جدید به گردان‌های القسام خبرداد و طی فرایند بازگشت مردم غزه از جنوب به شمال، کشتگری پلیس غزه نشان داد که حماس نه تنها نابود نشده است بلکه دستگاه بروکراسی آن نیز هنوز از بین نرفته است.

علاوه بر این واقعیت‌ها، همچنان بخش مهمی از مردم غزه بر اساس نظر سنجی‌ها از حماس حمایت می‌کنند و این شکل را به عنوان نماینده خود معتبر می‌دانند. این در حالی است که تشکیلات خودگردان از نازل‌ترین سطح مشروعیت در داخل کرانه باختری برخوردار است و ۸۰ درصد مردم کرانه باختری بر اساس نظرسنجی‌های مؤسسه مطالعات فلسطین، محمود عباس را قبول ندارند.

این واقعیت‌های روی زمین، بین طرح مصری و لفاظی‌های ترامپ و حقیقت آنچه در غزه می‌گذرد، شکاف بزرگی ایجاد می‌کند.

مسائل مالی ولجستیکی

در طرح مصری بازسازی غزه، رقم کلی بازسازی ۵۳ میلیارد دلار برآورد شده که این برآورد با پیمایش‌ها و گزارش‌های بانک جهانی مطابقت دارد. مصر برای تأمین مالی این طرح به‌طور خاص به کشورهای نفتی شورای همکاری خلیج فارس مانند عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی امیدوار است تا بخش عمده‌ای از این هزینه‌ها را تأمین کنند، همچنین این

ندارد. معنای دومین موضع وی هم تمرکز محکومیت‌ها بر حماس برای نامشروع شدن حکومت این گروه بر غزه است.

آمریکانیز در موضع خود، روندی تقریباً مشابه رژیم صهیونیستی داشت. واشنگتن می‌گوید غزه به دلیل تخریب شدن و وجود بمب‌های عمل نکرده، قابل سکونت نیست. معنای این حرف همانند واقعیت‌های میدانی مورد ادعای صهیونیست‌ها، اخراج ساکنان غزه است. با این حال واشنگتن در دومین موضع خود تأکید کرده حماس باید از حکومت غزه حذف شود. دو موضعی که در تل آویو و واشنگتن اتخاذ شده، با یکدیگر تفاوت دارند. اگر ساکنان غزه اخراج شوند، خود به خود حماسی نخواهد ماند که در غزه حکومت کند؛ پس تمرکز آن‌ها برای کاهش مشروعیت حماس و کنار گذاشتنش از حکومت برای چیست؟ به نظر می‌رسد آمریکا ورژیم صهیونیستی می‌خواهند طرف مقابل را در فضایی انتخابی قرار دهند؛ یا اخراج ساکنان غزه و یا برکناری حماس از حکومت بر این منطقه. دولت‌های عربی نیز گرچه اخراج ساکنان غزه را به نفع خود نمی‌دانند، اما به شدت موافق برکناری حماس از قدرتند. تنها چیزی که این دولت‌ها فاقدش بودند و دشمن

در حال ایجادش در آن هاست، انگیزه و جرئت ورود به مناسبات غزه است.

پیش از این و در حین جنگ طوفان الاقصی با مطرح شدن طرحی مبنی بر کنترل امنیتی تعدادی از دولت‌های عربی بر غزه، حماس اعلام کرده بود در صورت حضور نیروهای نظامی عربی با آن‌ها همانند نیروهای اشغالگر برخورد می‌کند.

تاکنون دولت‌های عربی از قبول پذیرش مسئولیت امنیتی در غزه خودداری کرده‌اند، اما در طرح ارائه شده قرار است ابتدا انحصار حکومت از دستان حماس خارج شده و سپس در مرحله دوم و نهایی، غزه تحت کنترل تشکیلات خودگردان قرار گیرد. هرچند طرح عربی حکومت را از دستان حماس خارج می‌کند، اما طرح آشکاری درقبال سلاح موجود در دستان آن ندارد.

آمریکا و رژیم صهیونیستی اما این حواله به آینده را نپذیرفته و بر دوگانه اخراج یا حذف حماس تأکید دارند. آشکار است اخراج ساکنان غزه و دیگر فلسطینی‌ها، درگیری‌ها را به خاک کشورهای مصر و اردن منتقل می‌کند و مورد پذیرش آن‌ها نیست. از این رو ترامپ و نتانیاهو می‌کوشند با تحت فشار قرار دادن دولت‌های عربی، آن‌ها را وادار کنند به جای درگیری در خاک خود با فلسطینی‌ها، در داخل غزه با حماس بجنگند. در این صورت علاوه بر خارج شدن کنترل امور دولتی غزه از دست حماس، سلاح این گروه نیز تحت فشار قرار می‌گیرد. این اتفاق مواهب دیگری نیز برای صهیونیست‌ها دارد. با درگیری میان نظامیان عربی با نیروهای حماس، درگیری در غزه به یک درگیری عربی تبدیل می‌شود. در چنین شرایطی صهیونیست‌ها با این استدلال که دولت‌های عربی نیز با حماس و اهالی غزه درگیر شده‌اند، می‌توانند کشتار ۵۰ هزار نفری خود طی جنگ طوفان الاقصی را که اثر بدی در افکار عمومی جهانی گذاشته، رفع و رجوع کنند؛ آن هم در شرایطی که جنایت در حق این مردم را با هزینه عربی به پیش می‌برند. دلیل اصلی مخالفت آمریکا و رژیم صهیونیستی با طرح دولت‌های عربی، عدم تأمین چنین خواسته‌هایی است.

۸. حماس با طرح عربی موافقت کرده است. با توجه به شرایط کنونی، حماس نمی‌تواند به حکومت بر غزه همانند قبل ادامه دهد بلکه باید شکل آن تغییر یابد. مسیرهای مختلفی که برای اداره غزه توسط قبایل و توزیع کمک‌های بین‌المللی امتحان شد، آشکار ساخت که در همه اشکال، این حماس بوده که در نهایت مدیریت امور را در دست داشته است. از این رو حماس چندان نگران تغییرات سطحی و رونمایی در کنترل امور مدنی غزه نیست. حماس قصد دارد هرچه سریع‌تر و از هر راهی که میسر است، اوضاع معیشتی و اسکان ساکنان غزه حل شود تا تهدیداتی که در باره اخراج آن‌ها شدت یافته، حل شوند. همچنین این گروه به قرار گرفتن در کنار دولت‌های عربی، دوصده بازی سیاسی در قالب سپرسازی در برابر دشمن است.

طرح چشمی به کمک‌های مالی غربی و نهادهای مالی جهانی دارد. در این اجلاس، رهبران کشورهای شورای همکاری خلیج فارس حمایت مخاطبانه‌ای از این طرح ابراز کردند، در حالی که عربستان سعودی و امارات متحده عربی در گزارش‌هایی اشاره کرده‌اند که پشتیبانی آن‌ها مشروط به اخراج کامل حماس است. شرطی که همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد احتمال به وقوع پیوستنش در آینده نزدیک دور از دسترس است.

با این حال، وعده‌های مالی هنوز مبهم است. الجزیره از قول یک مقام سابق مصری که خواسته است نامش فاش نشود هشدار داد که کشورهای حاشیه خلیج فارس از تعهد مالی بدون ضمانت‌هایی مبنی بر اینکه منابع به درستی مورد استفاده قرار خواهند گرفت و از سوی حماس با تشکیلات خودگردان مصدره نمی‌شوند، خودداری می‌کنند. مصر قصد دارد ماه آینده کنفرانس اهدکنندگان را برای تأمین تعهدات مالی واقعی برگزار کند، اما آتش‌پس شکننده که با توقف اخیر رژیم صهیونیستی در کمک‌های بشردوستانه و آزادی اسرا تهدید می‌شود و مر حله دومش در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، شک و تردید سراسر مایه‌گذاران را افزایش داده است. یکی از اعضای گروه یوراسیا در این رابطه گفت: «هیچ‌کس میلیارد‌ها دلار را به غزه نخواهد فرستاد اگر احتمال بیماران دوباره آن وجود داشته باشد».

آتش‌پس غزه که پیش از ورود ترامپ به کاخ سفید در سه مرحله طراحی شده بود. مرحله اول، که به مدت ۴۲ روز ادامه داشت و در ۱ مارس به پایان رسید، آرامش نسبی ایجاد کرد؛ در این مدت، حماس ۳۳ اسیر صهیونیستی از جمله زنان، کودکان و سالمندان را در ازای آزادی صدها زندانی فلسطینی آزاد کرد. کمک‌های بشردوستانه وارد غزه شد؛ هرچند بسیار کمتر از سطح پیش از جنگ.

مرحله دوم که قرار بود از ۲ مارس آغاز شود، شامل آزادی باقی‌مانده اسرا (از جمله نظامیان)، خروج کامل نیروهای صهیونیستی و مذاکرات برای رسیدن به «آرامش پایدار» بود. اما این مرحله تا به امروز اجرش نشده است. از نظر لجستیکی، وابستگی این طرح به نیروهای حافظ صلح بین‌المللی پرسش‌هایی را در باره قابلیت اجرایی آن مطرح می‌کند. کدام کشورها آماده‌اند نیرو اعزام کنند؟ کشورهای عربی مانند مصر و اردن پیشنهاد داده‌اند که نیروی پلیس فلسطینی را آموزش دهند، اما یک مأموریت گسترده تحت رهبری سازمان ملل نیاز به تصویب شورای امنیت دارد که ممکن است توسط ایالات متحده و تو ششود یا با مخالفت رژیم صهیونیستی مواجه گردد. درخواست اجلاس برای نیروهای حافظ صلح نمایانگر تمایل به تثبیت خارجی است، اما فقدان جزئیات دقیق، این عنصر را غیرقابل پیش‌بینی می‌کند. به طور کلی این طرح مصری و حمایت ضمنی سران عرب از آن، اقدامی واکنشی به طرح ترامپ است. با این حال با توجه به کارشکنی‌های تل آویو در مسیر آتش‌پس و امکان‌های محدود کشورهای عربی در برابر آمریکا باید گفت آنچه که غزه در حال حاضر به آن نیاز دارد طرح و برنامه نیست، بلکه تضمین برای عدم اشغالگری و پایبندی به آتش‌پس از سوی رژیم تل آویو است.